نشریهٔ
دانشکدهٔ ادبیات تبریز

شمارهٔ مسلسل ۸۰ — زمستان سال ۱۳۴۵

محمدتقی دانش پژوه

رسالة فی بیان المذاهب والفرق

جناب آقای آخوندی ناشر بحارالانوار مجلسی نسخه‌ای دراختیار این‌جانب گذارده که آنرا بخوانم ورسائل مندرج درآنرا بشناسم اینك یادداشتهائی که از این نسخهٔ گرانبها برداشتم بعرض خوانندگان مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات تبریز میرسانم و یکی از رساله‌های آنرا که این دوست بخط خود برایم نوشته است پس از تصحیح دراینجا نشر میکنم .

این نسخه باندازهٔ وزیری است بخط نستعلیق باعنوان و نشان شنگرف وازسدهٔ ۱۰ و۱۱ ودارای هفت کتاب ورساله است :

۱ـ شرح طوالع‌الانوار قاضی عبدالله‌بن عمر بیضاوی در گذشتهٔ ۶۸۵ که متن آن دوشارح‌شیعی‌دارد، یکی نصیرالدین علی‌بن محمّد کاشی در گذشتهٔ ۷۵۵ ودیگری غیاث‌الدین منصور دشتکی در گذشتهٔ ۹۴۸ (کشف‌الظنون درطوالع‌ـذریعه ۱۳: ۳۶۵ و۱۴: ۲۶۰). شارح دراین‌نسخه هم شیعی است ویاد میکند ازشارح فاضل والفین‌علامهٔ حلّی ومولانا سعدالدین‌تفتازانی (در گذشتهٔ ۷۹۱) والمقاصد او که در۷۸۴ ساخته‌است وشعر فارسی درآن آمده است از انوری ورومی وقاسمی (گویا قاسم انوار در گذشتهٔ ۸۳۷) وپیرجمال (جمالی اردستانی در گذشته ۸۷۹) وازخود او ودیگران .

پس این شرح ازنصیر کاشی نخواهد بود وشاید ازهمان دشتکی باشد .

در پایان باب دوّم کتاب سوّم آن آمده «اوردنا فی‌تفسیر نامفصلاً . . . وذلك فی‌سورةالبقرة»، اگر آغاز این شرح افتاده‌نمی‌بود بخوبی میشد بدانیم که ازدشتکی هست یا نه ؟ چنین است فهرست مطالب آن :

الفصل‌الثانی فی‌بیان مقدمة یتوقف علیها ابطال‌التسلسل، الخاتمه .

الفصل‌الثانی من‌الباب‌الاول‌من‌الکتاب‌الثانی‌فی‌التنزیهات‌وفی‌مباحث[خمسه].

الفصل‌الثالث فی‌التوحید .

الباب‌الثانی من‌الکتاب‌الثانی فی‌صفاته .

الفصل‌الاول فی‌الصفات التی یتوقف علیها افعاله وفی‌مباحث، خاتمه .

الفصل‌الثانی من‌الباب الثانی فی‌سایرالصفات وفیه مباحث ستة .

الباب‌الثالث‌فی‌افعاله‌وفیه‌مسایل(آخر کتاب‌الالهیات)خاتمه‌الالهیات‌فی‌ثلثةفصول

الکتاب‌الثالث فی‌النبوات (فی‌ثلثة ابواب : النبوات فی‌ستة مباحث . الحشر والجزاء فی‌ثمانیة مباحث، الامامة فی‌خمسة مباحث) .

آغاز نسخه پیش ازخاتمهٔ فصل یکم باب یکم کتاب دوم افتاده است .

۲ـ سلم‌الارض والسماء یا رسالة فی‌البراهین‌الثلثة: المسامتة والسلم والتطبیق، فی‌بیان تناهی‌الابعاد، درپنج‌فصل: توطئةالبرهان، فی‌برهان‌المسامتة، فی‌البرهان‌السلمی،

فی برهان التطبیق. فیما یلحق بها .

در این رساله از شرح المواقف سید شریف علی گرگانی و شرح مطالع قطب رازی و صاحب المفتاح و شارح حکمة العین یاد شده و در آن آمده: «شرحنا لطوالع الانوار» پس این رساله هم باید ازهمان شارح (ش۱) شاید همان دشتکی باشد .

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله ربّ العالمین... اما بعدفهذه رسالة فی البراهین الثلثة المسامتة والسلم والتطبیق .

انجام: وکلما سهی عن ذکره الغافلون .

۳ـ رسالة فی الدور والتسلسل والبرهان علی بطلانهما .

آغاز: بسمله. الحمدلله الّذی یتجلّی فی سلسلة الوجود فظهر بذاته علی ذاته فی ذاته لذاته .

انجام: ولایعنی بالتسلسل الاّ هذا وهذا آخر الرسالة والحمدلله اولاً و آخراً وصلّی الله علی محمّد وآله وصحبه .

٤ـ تحقیق الحقیقة والمجاز والاستعارة واقسامها، مشتملة علی خمسة ابواب : الحقیقة، المجاز، اقسام المجاز، الاستعارة، اقسام الاستعارة .

آغاز: بسمله. وبه نستعین. حمدله... امّا بعد فهذه عدة سطور فی تحقیق الحقیقة والمجاز والاستعارة واقسامها.

انجام: من رثاثة الهیئة والله اعلم. تمّت والحمدلله ربّ العالمین والصلاة والسّلام علی محمّد وآله وصحبه اجمعین .

۵ـ مقدمة فی تحقیق اسم الجنس وعلم الجنس، درپنج باب ویك خاتمه است و در آن ازشرح الشرح مولانا سعدالدّین التفتازانی والمطوّل او یاد شده است .

آغاز: بسمله . الحمدلله الّذی هدانا لهذا ... امّا بعد اعلم انّ بعض الالفاظ المفردة فی کلام العرب یدّل علی اکثر من متشخّص واحد بالشخّص .

انجام: ولاالقاب للنساء. تمّت الرسالة... وصحبه الابرار .

۶ـ رسالة فی بیان المذاهب والفرق، درهشت فصل، همین که درذیل بچاپ میرسد. مؤلف آنهم باید همان شارح طوالع الانور یعنی دشتکی باشد چنانکه در این رساله بدین نکته اشاره شده است (فصل۲) .

۷ـ فائدة جلیلة فی رسالة . بسمله . حمدله ... اما بعد فهذه رسالة فی بیان المصادرات والاصول الموضوعة والعلوم المتعارفة . . . کما تقرّر فی المنطق والله اعلم بحقایق الاشیاء. هذا آخر هذه الرسالة وصلّی الله علی محمد تری مرّة بعداخری (بخط دیگر جز رساله‌های پیش) .

گویا مؤلف همهٔ این رساله‌ها یك نفر وهمان دشتکی باشد اگرچه درمجالس المؤمنین ازهیچ یك ازاینها یاد نشده است .

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله ربّ العالمین، وصلّی الله علی محمّد وآله وصحبه وسلّم .

اما بعد فهذه **رسالة فی بیان المذاهب والفرق** قال رسول الله صلّی الله علیه و سلّم ستفترق امّتی ثلاثاً وسبعین فرقة کلها فی النّار الّا واحدة، وهی ما افاعلیه و اصحابی. فان قلت: «ماعلیه عترته مم؟» قلنا، والله اعلم هم فی قوله : «ما انا علیه» فانّهم معه علی ملّة واحدة لاتحتاج الی عطف ، ویؤیّده قوله تعالی: «قل تعالوا ندع ابنائنا وابنائکم ونساء ناونسائکم وانفسنا وانفسنکم» وقوله، صلّی الله علیه وسلّم، «نفسك نفسی» فلیتأمّل.

واعلم انّ هذه الفرق تندرج فی ثمانیة علی ماصرّح به **صاحب المواقف** ، رحمه الله تعالی: «من انّ کبار الفرق الاسلامیة ثمانیة: **المعتزله، والشیعة، والخوارج، والمرجیئة، والنجّاریة، والجبریّة ، والمشبّهة، والناجیة**» هذه عین عبارته فی خاتمة المرصد الرابع من الموقف السادس وهو آخر **المواقف** وهذه الرسالة علی ثمانیة فصول ومامرّ مقدمتها .

الفصل الاول فی المعتزلة . وهم اصحاب **واصل بن عطاء** . اعتزل عن مجلس **الحسن البصری** لخلاف وقع بینهما و لقبّهم **الحسن البصری** بالقدریة لاسنادهم افعال العباد الی قدرتهم دون قدرة الله تعالی، کماهو مذهب **الاشاعرة**، ای [اهل] السنة والجماعة. فانّهم

قالوا انّ افعال العباد كلّها مخلوقة لله تعالى حتى الزنا والسرقة. ولقّب **المعتزله** انفسهم باصحاب العدل والتوحيد. ومنهم **صاحب الكشاف** و**صاحب المفتاح**، فانّهم قالوا انّ كلام الله محدث، لانّه مركّب من الاصوات والحروف. و ذهبوا الى انّ الحسن والقبح عقليان دون [ان يكونا] شرعيين، خلافاً للاشاعرة. وهم افترقوا عشرين فرقة، يكفّر بعضهم بعضاً تكفيرا بالاستدلال.

الفصل الثانى فى **الشيعة الامامية**، وهم الذين شايعوا وتابعوا **على بن ابى طالب** عليه السلم. واما مهم اثنا عشر، اوّلهم **على** وآخرهم **المهدى** عليهم السلام. وقالوا: انّ الامام بعد رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلّم، هو على عليه السلام. وقد ذكرنا البرهان فى شرحنا **لطوالع الانوار** وهم افترقوا اثنى وعشرين فرقة يكفّر بعضهم بعضاً.

الفصل الثالث فى **الخوارج**، وهم الذين خرجو على امير المؤمنين **على بن ابيطالب** وعلى آله عليهم السلام ومنهم **معاوية** و **يزيد لعنه الله** تعالى لعناً دايماً خالداً وعلى انصاره و معاونيه ويرحم الله عبداً قال آميناً اقول: آمين يارب العالمين، ثم العن على صنمى قريش وجبتيهما وطاغوتيهما اللّهم العن الجبت والطاغوت وهم سبع فرق.

الفصل الرابع **فى المرجئة** من ارجا يرجئ ارجائاً يقال: ارجأ اذا اخّره ومنه قوله تعالى: ارجه واخاه، اى امهله واخّره لقبّوا به، لانّهم يرجئون ويؤخرون العمل عن النّية، اولانّهم يقولون لايضرّ مع الايمان معصية، كما لاينفع مع الكفر طاعة. فهم اهل الرجاء، فهم على هذا مرجيه بالياء دون الهمزة. وهم خمس فرق.

الفصل الخامس **فى النجّارية** وهم اصحاب **محمد بن الحسين النجّار** يوافقون للاشاعرة فى خلق اعمال العباد ويوافقون **المعتزلة** فى نفى الصفات الوجودية، و حدوث كلام الله تعالى ونفى الرؤية.

وهم ثلاث فرق: منهم الزعفرانيّة، قالوا: كلام الله غيره، و كلّ ماهو غيره فهو مخلوق، فكلامه مخلوق، و كلّ مخلوق حادث.

الفصل السادس **فى الجبريّة**. والجبر فى اللغة الاصلاح اوالكسر فانّه من اضداد

اللغات. وفی الاصطلاح عبارة عن اسناد فعل العباد الی الله تعالی. منهم من بالغ فی الجبر وهم غلاتهم، قالوا: لاقدرة للعبد اصلاً، بل هم بمنزلة الجمادات فیما یوجد منهم من الاعمال. وقالوا الجنّة والنار صارتا فانیتین بعد دخول اهلهما فیهما حتی لایبقی موجود سوی الله تعالی، وهم کالمعتزلة علی نفی الرؤیة وحدوث الکلام. وهم فرقة واحدة .

الفصل السابع **فی المشبّهة** لقبّوا بهلانّهم شبّهوا الله تعالی بالمخلوقات و مثّلوه بالحادثات. وقالوا انّ الله جسم لاکاجسام العالم، وهو تعالی من لحم و دم لاکلحوم و دماء المخلوقات . واثبتوا لله سبحانه و تعالی الاعضاء والجوارح الّا اللحیة والفرج ، و یجوّزون له الملامسة والمصافحة والمعانقه للمخلصین من عباده فی الدّنیا والاخرة ومنهم **الکرامیّة** اصحاب **ابی عبدالله محمد بن کرّام**. وهم فرقة واحدة مع الکرامیة والمجسّمة الذین قالوا بانّ الله علی العرش .

الفصل الثامن . قال **صاحب المواقف**: اما الفرقة الناجیة المستثناة الذین قالوا فی انفسهم اهل السّنة والجماعة، وهم الذین قال رسول الله، صلّی الله علیه و سلّم : «هم الذین علی ما انا علیه واصحابی» فهم **الاشاعرة والسلف من المحدّثین واهل السنة والجماعة** .

هذه الفرق الاسلامیة بل کبارهم کما مرّ ولا یکفّر احد من اهل القبلة الّا بما فیه نفی الصانع القادر العلیم، اوفیه شرك بالله تعالی، اوانکار لنبوّة محمّد صلّی الله علیه وسلّم فی زمانه، اوانکار ماعلم مجیئه [منه] صلّی الله علیه وسلّم به ضرورة، اوانکار المجمع علیه کاستحلال المحرّمات من الخمر والمیسر والانصاب والازلام الّتی اجمع القوم علی حرمتها . فان کان ذالك المجمع علیه ممّا علم ضرورة من الدّین فذاك والّا فان کان اجماعاً ظنّیاً فلا کفر بمخالفته وان کان قطعیّاً ففیه خلاف. واما ماعداه فالقائل به مبتدع غیر کافر هذا مذهب المتکلّمین کما صرّح به **شارح المواقف** قدّس سرّه. ثم قال **صاحب المواقف**، رحمه الله تعالی: وللفقهاء فی معاملتهم خلاف هو خارج عن فنّنا هذا ای فنّ الکلام. و منه علم الفرق بین المتکلمین والفقهاء من حیث انّهم **متکلمون** اهل کلام ومن حیث انّهم **فقهاء** اهل فقه والّا فرب متکلّم هو فقیه کاکثر علماء زماننا هذا .

هذا ما وجدنا فی مقطع **المواقف** وشرحه .

اللّهم اغفرلی ولهم و لسایرالمؤمنین والمؤمنات من الامم السالفة خصوصاً امّة محمّد رسول الله صلّی الله علیه وسلّم سیّما اهل بیته وعترته وآله، فانّهم کبارفرق الایمان وعظام شیع اهل الایقان، اوّلهم **علی** وآخرهم **مهدی** علیهم السّلام .

هذه آخر هذه الرسالة وقدجعلتها هدیة و تحفة للامام المعصوم **محمدبن الحسن العسکری** علیهما السّلام والسّلام علی تابع المهدی. انتهی

نامه‌ای ازآقای دانش‌پژوه : نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات تبریز با کمال احترام خواهشمند است سطور زیر را در مجله درج فرمایند .

الرسالة البهائیه

درنشریهٔ کتابخانهٔ ملی تبریز وصفی ازاین رساله شده و گمان برده‌اند که نسخهٔ ناشناخته‌ایست ولی چنین نیست چه :

۱ـ نسختی ازآن درکتابخانهٔ «علی گره سبحان‌الله» هست و درفهرست آنجا ص۱۲ ش ۱۱ (مورخ ۱۰۶۲) یاد شده است و استوری در Persian Literature (ادب فارسی) ۱:۱۰۶۰ وهمچنین طاهرجانف درفهرست کتب خطی فارسی وتاجیکی کتابخانهٔ دانشگاه دولتی لنینگرادص ۲۹۰ ازاین نسخه یاد کرده‌اند. تعبیری که طاهرجانف نقل کرده اینست: «رسالهٔ بهائیه که مفصل برمقامات ومناقب حضرت خواجه بهاءالدین است قدّس سرّه وتألیف شیخ فاضل کامل ابوالقاسم بن محمد بن مسعود البخاری است علیه الرحمة که ازکبار اصحاب وتلامذهٔ حضرت خواجه محمد پارسا است قدّس الله تعالی روحه» .

۲ـ درفهرست نسخه‌های خطی وتاجیکی که درمسکو بسال ۱۹٦٤ بچاپ رسیده است ازنسخهٔ شماره C522 مورخ ۱۲۵۷ یاد شده‌است .

این دو نسخهٔ ازنسخهٔ آقای سیدعبدالعلی صدرالاشرافی تازه‌تر است .

امیدوارم که ایشان بتوانند این رساله را بامقابله بادو نسخهٔ دیگر بچاپ برسانند.